گزارش «وطن امروز» از جدال نهاد نظارتی و ایران خودرو بر سر تعیین قیمت

اعمال قانون

سازمان تعزیرات حکومتی، خودروساز بزرگ کشور را به دلیل تخلف در قیمت‌گذاری، ۸ هزار میلیارد تومان جریمه کرد

گروه اقتصادی: در هفته‌های اخیر، تنش میان ایران‌خودرو و شورای رقابت به نقطه‌ای حساس رسید؛ جایی که سازمان تعزیرات حکومتی، خودروساز بزرگ کشور را به دلیل تخلف در قیمت‌گذاری، ۸ هزار میلیارد تومان جریمه کرد. این جریمه سنگین، نتیجه بی‌توجهی ایران‌خودرو به دستورالعمل‌های مصوب شورای رقابت برای افزایش ۱۵ درصدی بود اما شرکت ایران‌خودرو تلاش داشت قیمت خودرو را مطابق میل خود بیش از ۲۲ درصد و بدون نظارت نهادهای قانونی افزایش دهد.

اگر ایران‌خودرو موفق می‌شد در این مسیر یکجانبه حرکت کند، بازار خودرو با موجی از تورم مواجه می‌شد؛ تورمی که نه‌تنها قدرت خرید مردم را کاهش می‌داد، بلکه رکود را نیز عمیق‌تر می‌کرد. در چنین شرایطی، تنها راهکار منطقی برای کنترل بازار، آزادسازی واردات خودرو با تعرفه ۲۰ درصدی بود؛ اقدامی که بی‌تردید به ضرر خودروسازان داخلی تمام می‌شد و سهم بازار آنها را به‌شدت کاهش می‌داد.

در همین راستا، شورای رقابت در جلسه ۷۷۸ خود که ۲۵مرداد ۱۴۰۴ برگزار شد، اصلاحات مهمی را در دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری تصویب کرد. مهم‌ترین بخش این مصوبه، اصلاح ماده ۳ دستورالعمل قیمت‌گذاری خودرو بود که چارچوبی دقیق‌تر برای تعیین قیمت‌ها ارائه می‌دهد. بر اساس این ماده، مبنای قیمت‌گذاری خودروهای مشمول، ضوابط هیات تعیین و تثبیت قیمت‌ها خواهد بود. عرضه‌کنندگان خودرو موظفند قیمت‌ها را مطابق این ضوابط محاسبه کرده و مستندات آن را به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ارائه دهند. سازمان حمایت نیز به طور مستقل صحت محاسبات را بررسی کرده و در صورت مغایرت، قیمت نهایی را اعلام می‌کند. در صورت تخلف، عرضه‌کنندگان به مراجع قانونی معرفی خواهند شد.

این ماده ۲ تبصره مهم دارد؛ نخست اینکه قیمت محاسباتی صرفاً مربوط به خود خودرو است و شامل هزینه‌های جانبی مانند مالیات، بیمه، عوارض و خدمات پستی نمی‌شود. دوم اینکه عرضه‌کنندگان موظفند در هر سال مالی، حداقل ۲ صورت مالی حسابرسی‌شده ارائه دهند.

مصوبه ۷۷۸ شورای رقابت با هدف افزایش شفافیت، ایجاد انضباط مالی و نظارت دقیق‌تر بر روند قیمت‌گذاری خودرو تدوین شده است. این مصوبه تلاش دارد از رفتارهای انحصارطلبانه خودروسازان جلوگیری کرده و حقوق مصرف‌کنندگان را حفظ کند. در نهایت، شورای رقابت تأکید کرده دستورالعمل‌های این شورا همچنان ملاک اصلی در تنظیم بازار خودرو خواهد بود؛ پیامی روشن برای خودروسازانی که قصد دارند خارج از چارچوب‌های قانونی عمل کنند.

در ادامه این جدال، باید نگاهی دقیق‌تر به وضعیت فعلی بازار خودرو انداخت؛ بازاری که درگیر رکود سنگینی شده و تقاضا به شکل محسوسی کاهش یافته است. این کاهش تقاضا، خودروسازان را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است؛ از جمله افت تیراژ تولید، افزایش هزینه‌های سربار و انباشت محصولات در انبارها. وقتی تولید کاهش می‌یابد، هزینه‌های ثابت مانند حقوق کارکنان، نگهداری خطوط تولید و هزینه‌های اداری همچنان پابرجا می‌مانند. این یعنی هزینه تمام‌شده هر خودرو بالا می‌رود و حاشیه سود شرکت‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی برخی خودروسازان به جای اصلاح ساختار تولید یا کاهش هزینه‌ها، به راه‌حل ساده‌تری روی می‌آورند: افزایش قیمت فروش.

این شرکت‌ها تلاش دارند با گران‌فروشی، زیان ناشی از رکود بازار را جبران کنند اما این راه‌حل نه‌تنها منصفانه نیست، بلکه به تشدید رکود نیز دامن می‌زند. وقتی قیمت‌ها بالا می‌روند، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد و تقاضا بیش از پیش افت می‌کند. این چرخه معیوب، بازار خودرو را در وضعیت بن‌بست قرار می‌دهد؛ جایی که نه تولیدکننده سود می‌برد، نه مصرف‌کننده توان خرید دارد.

در چنین فضایی، نقش شورای رقابت حیاتی‌تر از همیشه است. با اعمال دستورالعمل‌های دقیق قیمت‌گذاری، این شورا تلاش دارد مانع سوءاستفاده خودروسازان از شرایط رکود شود. اگر این کنترل‌ها نبود، بازار خودرو به بستری برای انحصارطلبی و فشار بیشتر بر مصرف‌کننده تبدیل می‌شد.

اگر خودروسازان داخلی نتوانند خود را با واقعیت‌های اقتصادی تطبیق دهند و همچنان بر افزایش قیمت‌ها پافشاری کنند، احتمال آزادسازی واردات خودرو با تعرفه پایین‌تر قوت می‌گیرد. چنین اقدامی می‌تواند رقابت را به بازار بازگرداند اما در عین حال تهدیدی جدی برای شرکت‌های داخلی خواهد بود که سال‌ها در فضای شبه‌انحصاری فعالیت کرده‌اند. در نهایت، مسیر پیش رو برای صنعت خودروی ایران روشن است: یا اصلاح ساختار تولید و قیمت‌گذاری، یا پذیرش رقابت واقعی با برندهای خارجی. انتخاب با خودروسازان است اما زمان برای آزمون و خطا بسیار محدود شده است.

■ ساختار انحصاری بازار خودروهای تولید داخل

یکی از مهم‌ترین دلایلی که شورای رقابت همچنان بر اجرای دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری تأکید دارد، ساختار انحصاری بازار خودروهای تولید داخل است. برخلاف بازارهای آزاد که رقابت میان برندها و تولیدکنندگان باعث تعدیل طبیعی قیمت‌ها می‌شود، در ایران بخش عمده‌ای از بازار خودرو در اختیار چند شرکت محدود قرار دارد که عملاً رقیب جدی داخلی یا خارجی ندارند. در چنین شرایطی، اگر قیمت‌گذاری به خود شرکت‌ها واگذار شود، احتمال سوءاستفاده بسیار بالاست. این شرکت‌ها می‌توانند بدون نگرانی از رقابت، قیمت‌ها را به دلخواه افزایش دهند و بار هزینه‌های ناکارآمدی خود را به دوش مصرف‌کننده بیندازند. به همین دلیل، ادامه نظارت شورای رقابت و اعمال قیمت‌گذاری دستوری نه‌تنها منطقی، بلکه ضروری است.

نبود رقابت واقعی در بازار داخلی، سهم بالای چند شرکت خاص از کل تولید خودروی کشور، ضعف در بهره‌وری و ساختار هزینه‌ای خودروسازان، فشار تورمی ناشی از افزایش قیمت خودرو بر سایر بخش‌های اقتصادی و حفظ قدرت خرید مصرف‌کنندگان از جمله دلایل اصلی ادامه قیمت‌گذاری دستوری است.

برخلاف تصور برخی مدیران صنعتی، قیمت‌گذاری دستوری به معنای دخالت غیرمنطقی در بازار نیست، بلکه این سیاست نوعی تنظیم عقلانی برای بازاری است که فاقد مکانیسم‌های طبیعی تعدیل قیمت است. تا زمانی که ساختار تولید خودرو در ایران اصلاح نشده و رقابت واقعی شکل نگرفته، خروج از قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند تبعات سنگینی برای اقتصاد و جامعه داشته باشد.

خودروسازان داخلی باید بدانند که انحصار، تنها امتیاز نیست، بلکه مسؤولیت‌آور نیز است. در شرایطی که آنها سهم عمده‌ای از بازار را در اختیار دارند، موظفند پاسخگوی عملکرد خود باشند و در چارچوب ضوابط قانونی حرکت کنند. تلاش برای فرار از نظارت، نه‌تنها اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز مداخلات شدیدتر در آینده شود.

در چنین شرایطی، انتظار می‌رود خودروسازان به جای پافشاری بر افزایش قیمت‌ها، به اصلاح ساختار تولید، ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌های سربار روی بیاورند. اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، تلاشی آشکار برای انتقال بار ناکارآمدی به مصرف‌کننده از طریق گران‌فروشی و فشار بر نهادهای نظارتی است. این رفتار نه‌تنها با اصول اقتصاد رقابتی در تضاد است، بلکه نشان‌دهنده ضعف در مدیریت راهبردی صنعت خودروی کشور است.

از سوی دیگر، شورای رقابت با درک حساسیت‌های بازار و تأثیر مستقیم قیمت خودرو بر معیشت مردم، تلاش دارد با ابزارهای قانونی، مانع شکل‌گیری فضای انحصاری و بی‌ضابطه شود. مصوبه ۷۷۸ نمونه‌ای از همین تلاش‌هاست؛ اقدامی که با هدف شفاف‌سازی فرآیند قیمت‌گذاری، الزام به ارائه صورت‌های مالی حسابرسی‌شده و نظارت دقیق بر نحوه محاسبه قیمت‌ها، می‌کوشد تا تعادل را به بازار بازگرداند.

با این حال، چالش اصلی همچنان پابرجاست؛ چگونه می‌توان در بازاری که رقابت واقعی وجود ندارد، قیمت‌ها را به گونه‌ای تنظیم کرد که هم تولیدکننده متضرر نشود و هم مصرف‌کننده قربانی؟ پاسخ این پرسش، در ادامه سیاست‌گذاری‌های دقیق، اصلاح ساختار تولید، و در صورت لزوم، آزادسازی کنترل‌شده واردات نهفته است؛ وارداتی که اگر با تعرفه منطقی و نظارت دقیق انجام شود، می‌تواند نقش محرک رقابت را ایفا کرده و خودروسازان داخلی را به سمت ارتقای کیفیت و کاهش قیمت سوق دهد.

در نهایت، مسیر پیش روی صنعت خودروی ایران نیازمند تصمیم‌گیری‌های شجاعانه، شفاف و منطبق با منافع ملی است. انحصار موجود نباید بهانه‌ای برای فرار از پاسخگویی باشد، بلکه باید به نقطه‌ای برای بازنگری در سیاست‌های صنعتی کشور تبدیل شود. شورای رقابت، سازمان حمایت و سایر نهادهای نظارتی باید با حفظ استقلال و اقتدار، از حقوق مصرف‌کننده دفاع کرده و مانع تبدیل بازار خودرو به عرصه‌ای برای سودجویی بی‌ضابطه شوند.

تشدید تحریم‌های نفتی به زیان غرب است

بازار نفت زیر سایه تحریم

گروه اقتصادی: بازار جهانی نفت در سال ۲۰۲۵ در آستانه تحولات ژرف ژئوپلیتیک و اقتصادی‌ای قرار دارد که می‌تواند مسیر قیمت‌های آن را به طور چشمگیری دگرگون سازد. در حالی که تقاضای انرژی در آسیا، بویژه چین و هند، همچنان رو به رشد است، عرضه جهانی نفت با چالش‌هایی جدی مواجه شده که ریشه در تحریم‌های فزاینده آمریکا علیه ایران و روسیه دارد. این تحریم‌ها نه‌تنها صادرات مستقیم نفت را محدود کرده، بلکه با هدف قرار دادن شبکه‌های حمل‌ونقل، شرکت‌های واسطه و نفتکش‌ها، ظرفیت عملیاتی بازار جهانی نفت را نیز به‌شدت کاهش داده است.

در مورد ایران، ایالات متحده با بازگشت به سیاست «فشار حداکثری»، بیش از ۴۶۵ تحریم جدید علیه شبکه فروش نفت اعمال کرده است؛ هرچند این اقدامات مانع نشده حجم قابل توجهی از نفت ایران فروش نرود. البته مازاد تقاضای بازار که بین ۲۵ میلیون بشکه بوده به صورت شناور روی آب‌ها باقی مانده و امکان تخلیه آن در بنادر آسیایی وجود دارد.

گفتنی است تخفیف نفت ایران نسبت به نفت برنت که پیش‌تر حدود ۲٫۵۰ دلار بود، اکنون به تنها ۵۰ سنت کاهش یافته که این کاهش تخفیف نشان‌دهنده رقابت‌پذیری نفت ایران در بازارهای آسیایی است.

البته روسیه نیز با تحریم‌های مشابه مواجه است. هزینه حمل نفت روسیه به چین و هند تا ۳ برابر افزایش یافته و در برخی معاملات، قیمت نفت روسیه حتی تا ۳ دلار بالاتر از نفت برنت معامله شده است. البته میزان نفت شناور روسیه نیز به بیش از ۸۸ میلیون بشکه رسیده که نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای اختلال جدی در زنجیره عرضه جهانی است.

در چنین شرایطی، پرسش کلیدی این است: آیا قیمت نفت تا پایان سال ۲۰۲۵ دوباره روند صعودی خواهد یافت؟ پاسخ به این پرسش در گرو تعامل چند عامل کلیدی است؛ از یک‌سو، کاهش عرضه ناشی از تحریم‌ها، افزایش هزینه حمل‌ونقل و رشد تقاضا در آسیا، فشار صعودی بر قیمت‌ها وارد می‌کنند. از سوی دیگر، رفتار مصرف‌کنندگان بزرگ مانند چین و هند، نقش تعیین‌کننده‌ای در مهار یا تشدید این روند دارد. اگر این کشورها موفق شوند مسیرهای جایگزین برای تأمین انرژی خود بیابند یا از ذخایر استراتژیک استفاده کنند، فشار صعودی ممکن است محدود شود. با این حال، در صورت تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک، اختلال بیشتر در عرضه، یا کاهش تولید داوطلبانه از سوی اعضای اوپک‌پلاس، قیمت نفت می‌تواند بار دیگر به سطوح بالای ۹۰ تا ۱۰۰ دلار در هر بشکه نزدیک شود. در چنین سناریویی، بازار نفت وارد فاز جدیدی از نوسانات خواهد شد.

بنابراین در شرایط ژئوپلیتیک فعلی و با احتمال تشدید تحریم‌ها علیه ایران، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بازار جهانی انرژی، تأمین پایدار نفت خام است. ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در منطقه خاورمیانه، نقش کلیدی در تعادل عرضه و تقاضای جهانی ایفا می‌کند. هرگونه اختلال در صادرات نفت ایران، بویژه در شرایطی که بازار با محدودیت‌های عرضه از سوی دیگر تولیدکنندگان مواجه است، می‌تواند تبعات قابل توجهی برای قیمت‌ها و امنیت انرژی اروپا و سایر مصرف‌کنندگان بزرگ داشته باشد.

ایالات متحده از نظر ظرفیت تولید، بویژه در حوزه نفت شیل، توانایی افزایش عرضه را دارد اما این ظرفیت با محدودیت‌هایی همراه است. تولید نفت آمریکا در سال‌های اخیر به حدود ۱۳ میلیون بشکه در روز رسیده اما افزایش بیشتر نیازمند سرمایه‌گذاری، زمان و زیرساخت‌های جدید است. از سوی دیگر، زیرساخت‌های صادراتی آمریکا هنوز به اندازه‌ای توسعه نیافته که بتواند به‌سرعت جایگزین نفت ایران در بازارهای آسیایی و اروپایی شود. همچنین ترکیب نفت خام ایران که عمدتاً سنگین‌تر است، با نفت سبک آمریکا تفاوت دارد و پالایشگاه‌های اروپایی برای نفت ایران طراحی شده‌اند؛ بنابراین جایگزینی آن نیازمند تغییرات فنی پرهزینه خواهد بود. افزون بر این، دولت آمریکا تحت فشارهای داخلی برای کاهش تولید سوخت فسیلی و تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر قرار دارد که می‌تواند مانع افزایش سریع تولید شود.

در صورت کاهش نفت ایران در بازار جهانی و عدم توانایی آمریکا یا سایر تولیدکنندگان مانند عربستان یا امارات برای جبران، بازار جهانی با سناریوهای مختلفی روبه‌رو خواهد شد. در حالت تحریم کامل، کاهش عرضه جهانی بین ۱٫۵ تا ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود که منجر به شوک عرضه و افزایش تقاضا برای ذخایر می‌شود و قیمت نفت ممکن است به ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار در هر بشکه برسد. در صورت تحریم جزئی، کاهش صادرات بین ۰٫۵ تا یک میلیون بشکه در روز خواهد بود و بازار با نوسان محدود و افزایش تدریجی قیمت‌ها مواجه می‌شود که می‌تواند قیمت نفت را به ۹۰ تا ۱۰۰ دلار برساند. در ادامه اگر اوپک یا آمریکا بتوانند کاهش عرضه را جبران کنند، ثبات نسبی در بازار حفظ خواهد شد و قیمت نفت در محدوده ۸۰ تا ۹۰ دلار باقی می‌ماند. افزایش قیمت نفت در این شرایط نه‌تنها تورم جهانی را تشدید می‌کند، بلکه می‌تواند به رکود اقتصادی در اروپا منجر شود، بویژه اگر همزمان با بحران‌های دیگر مانند جنگ اوکراین یا اختلال در عرضه گاز همراه باشد.

در این میان، بررسی سناریوهای جایگزین نشان می‌دهد کشورهایی مانند چین، هند و روسیه نه‌تنها در کاهش اثرگذاری تحریم‌ها نقش دارند، بلکه تأثیر قابل‌توجهی بر بازار جهانی نفت و انرژی می‌گذارند. چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشتریان نفت ایران و روسیه، نفت تحریمی را با تخفیف‌های ۲۰ تا ۲۵ درصد خریداری می‌کند و از طریق معاملات تهاتری و شرکت‌های پوششی، منشأ واقعی نفت را پنهان می‌سازد. هند نیز با اتخاذ سیاستی محتاطانه، روابط اقتصادی خود با ایران و روسیه را حفظ کرده و از طریق واسطه‌ها به واردات نفت ادامه داده است. این کشور با خرید نفت ارزان‌تر، هزینه واردات انرژی را کاهش داده و به طور غیرمستقیم بر قیمت‌های جهانی فشار وارد کرده است. روسیه نیز با استفاده از ناوگان سایه، نفتکش‌هایی با پرچم‌های مختلف و سیستم‌های شناسایی خاموش، تحریم‌ها را دور زده و با تعیین سقف قیمت توسط اروپا، به دنبال بازارهای جایگزین مانند چین و هند رفته است. همکاری روسیه با ایران در زمینه انتقال نفت و استفاده از مسیرهای جایگزین، بویژه در مناطق دریایی جنوب شرق آسیا و خلیج گینه نیز قابل توجه است.

این اقدامات باعث کاهش شفافیت در بازار جهانی نفت شده است؛ منشأ واقعی نفت در بسیاری از معاملات مشخص نیست و رقابت بر سر تخفیف‌ها موجب فشار بر قیمت جهانی شده است. همچنین افزایش فعالیت‌های غیررسمی در مناطق حساس دریایی مانند تنگه هرمز، دریای چین جنوبی و خلیج گینه، ریسک‌های ژئوپلیتیکی را تشدید کرده است.

در مجموع، تحریم نفت ایران اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت شوک‌هایی به بازار جهانی وارد کند، اما حضور بازیگرانی مانند چین، هند و روسیه موجب کاهش اثرگذاری این تحریم‌ها شده است. این کشورها با بهره‌گیری از سازوکارهای غیررسمی، معاملات تهاتری، و استفاده از ناوگان سایه، نه‌تنها نفت ایران را به بازار جهانی بازمی‌گردانند، بلکه الگوهای سنتی تجارت انرژی را نیز دستخوش تغییر کرده‌اند. در بلندمدت، این روند می‌تواند ساختار سنتی بازار نفت را دگرگون کند و وابستگی اروپا و سایر مصرف‌کنندگان بزرگ به منابع قابل ردیابی را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

در چنین شرایطی، وابستگی بازار جهانی نفت به بازیگران غیررسمی و مسیرهای غیرشفاف، نه‌تنها ریسک‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد، بلکه پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده‌تری نیز به همراه دارد. کشورهایی که در دور زدن تحریم‌ها نقش دارند، به تدریج نفوذ بیشتری در تعیین مسیر تجارت انرژی پیدا می‌کنند و این امر می‌تواند موازنه قدرت در بازار جهانی نفت را به نفع آنان تغییر دهد، بویژه چین که با قدرت اقتصادی و دیپلماتیک خود توانسته در برابر فشارهای غربی مقاومت کند و حتی در برخی موارد، قواعد بازی را بازتعریف کند.

از سوی دیگر، ادامه این روند می‌تواند موجب شکل‌گیری بلوک‌های انرژی جدید شود؛ بلوک‌هایی که بر پایه منافع مشترک کشورهای تحریم‌شده و خریداران غیرغربی بنا شده‌اند. چنین بلوک‌هایی ممکن است در آینده نزدیک، ساختار سنتی اوپک و حتی نقش آژانس‌های بین‌المللی انرژی را به چالش بکشند. در این میان، اروپا و سایر مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی، با چالش‌های مضاعفی روبه‌رو خواهند شد؛ از یک‌سو نیاز به تنوع‌بخشی به منابع انرژی دارند، و از سوی دیگر باید با واقعیت‌های جدید بازار، از جمله کاهش شفافیت و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک کنار بیایند.

در نهایت، اگر تحریم‌ها تشدید شود و همزمان کشورهایی مانند چین یا هند موضع خود را تغییر دهند، مثلاً تحت فشارهای سیاسی یا اقتصادی واردات نفت تحریمی را کاهش دهند، بازار جهانی با نوسانات شدیدتری مواجه و امنیت انرژی در سطح بین‌المللی بیش از پیش آسیب‌پذیر خواهد شد. چنین تغییری می‌تواند منجر به افزایش ناگهانی قیمت‌ها، کاهش دسترسی به منابع انرژی برای کشورهای در حال توسعه و حتی بروز بحران‌های منطقه‌ای شود. بنابراین، آینده بازار انرژی بیش از هر زمان دیگری به تصمیمات سیاسی، اتحادهای اقتصادی نوظهور، و توانایی کشورها در مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیکی وابسته خواهد بود.

اخبار

لزوم صرفه‌جویی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر برای جلوگیری از خاموشی

وزیر نیرو با تأکید بر لزوم صرفه‌جویی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: کاهش دما و همراهی مردم می‌تواند به عبور از روزهای پایانی تابستان بدون خاموشی کمک کند.

عباس علی‌آبادی روز گذشته در حاشیه آیین رونمایی از نخستین واحد توربین گازی پیشرفته کلاس اف ایرانی، در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه در حال حاضر پیک را پشت سر گذاشته‌ایم، گفت: اگرچه پیک را پشت سر گذاشته‌ایم اما شرایط هنوز تمام نشده است و باید مشترکان همراهی کنند، دمای هوا رو به کاهش است و باید به این موضوع نیز توجه داشته باشیم که هرچه به آخر تابستان نزدیک‌تر می‌شویم ذخایر آبی نیز کمتر می‌شود.

وی افزود: پیش‌بینی می‌شود با همراهی‌ای که مردم تاکنون کرده‌اند و از این به بعد نیز خواهند داشت، شرایط بهتری را پیش‌رو خواهیم داشت. وزیر نیرو در رابطه با زمان اتمام خاموشی‌ها نیز خاطرنشان کرد: ۲ اتفاق مهم در حال رخ دادن است، با کاهش دما میزان واردات و مصرف کاهش می‌یابد اما باید توجه داشت که در سال خشکی قرار داریم و نیروگاه‌هایی خارج از مدار هستند، باید روزهای باقیمانده از تابستان را با همراهی همدیگر پشت سر بگذاریم.

وی در رابطه با وضعیت صادرات برق خاطرنشان کرد: ما در صادرات ۲ شانس داریم؛ یکی صادرات برق و دیگری صادرات تجهیزات که هر ۲ باید انجام شود. علی‌آبادی ادامه داد: متأسفانه ما از انرژی‌های ارزان استفاده می‌کنیم در حالی که گران‌قیمت هستند؛ به عنوان مثال سوخت فسیلی است باید احتیاط کرد اما اگر بتوانیم از خورشید و منابع اولیه انرژی تجدیدپذیر استفاده کنیم، صادرات برق می‌تواند راهکار مناسبی برای بهبود اقتصاد و زندگی مردم باشد. وزیر نیرو در رابطه با وضعیت نیروگاه‌های تجدیدپذیرها گفت: ۲۵ مگاوات به ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر اضافه شد و تا پایان هفته ۱۵۰ مگاوات دیگر به ظرفیت تجدیدپذیرها اضافه می‌شود و این روند به صورت هفتگی ادامه خواهد داشت.

رشد ۶۶ درصدی تجارت ایران و قطر

رشد ۶۶ درصدی تجارت ایران و قطر (طی ۴ ماه نخست امسال) تنها یک عدد در آمارهای اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای از ظرفیت‌های نهفته‌ای است که می‌تواند به توسعه پایدار صادرات ایران منجر شود.

تجارت میان ایران و قطر در ۴ ماه نخست سال جاری با رشد ۶۶ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل همراه بوده است؛ آماری که به خوبی نشان می‌دهد روابط اقتصادی ۲ کشور همسایه وارد مرحله‌ای تازه از تعاملات شده است.

به گفته عباس عبدالخانی، رایزن بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در قطر، این روند صعودی تنها به معنای افزایش عددی مبادلات نیست، بلکه بیانگر وجود ظرفیت‌های واقعی برای حضور گسترده‌تر کالاهای ایرانی در بازار قطر و استفاده از این کشور به عنوان پلی برای دسترسی به دیگر بازارهای منطقه است. قطر در چشم‌انداز توسعه ملی ۲۰۳۰ خود، جایگاه ویژه‌ای برای تبدیل شدن به هاب تجاری و مرکز صادرات مجدد کالاها تعریف کرده است. این کشور با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیکی و بندری، قصد دارد مسیر جدیدی برای ورود و توزیع کالا در خلیج‌فارس و حتی فراتر از آن ایجاد کند. به باور کارشناسان اقتصادی، این سیاست می‌تواند فرصتی ارزشمند برای صادرکنندگان ایرانی فراهم کند تا محصولات خود را از مسیر قطر به بازارهایی چون عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی برسانند؛ کشورهایی که سال‌هاست به عنوان بازارهای هدف صادرات ایران شناخته می‌شوند.

بر همین اساس نیز پیگیری‌ها نشان می‌دهد یکی از برنامه‌های کلیدی و راهبردی در مسیر گسترش روابط اقتصادی ایران و قطر، برگزاری همایش‌های تخصصی معرفی ظرفیت‌های صادراتی استان‌های مختلف کشور است؛ رویدادهایی که قرار است به شکل هدفمند و با محوریت همکاری‌های دوجانبه طراحی و اجرا شود.

رشد بورس با صرف تزریق منابع مالی نمی‌تواند پایدار بماند

نماینده مجلس گفت: رشد بورس با صرف تزریق منابع مالی نمی‌تواند پایدار بماند، بلکه مهم‌ترین نیاز بورس بازگشت اعتماد مردم است. فتح‌الله توسلی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به وضعیت بازار سرمایه اظهار داشت: بورس با صرف تزریق منابع مالی نمی‌تواند پایدار بماند؛ بورس یک مجموعه نیست که بتوان با اختصاص منابع به عنوان ضمانت سرمایه‌گذاری یا تضمین کاری، آن را از شرایط بحرانی خارج کرد و پایدار نگه داشت. اگرچه دولت در این زمینه اقداماتی انجام داده اما نتیجه‌ای به همراه نداشته است. وی افزود: شرایط بورس به عوامل متعددی وابسته است؛ بخشی از این عوامل به مسائل سیاسی و امنیتی کشور و منطقه بازمی‌گردد که مستقیماً بر سرمایه‌گذاران اثر گذاشته و بی‌ثباتی را در بازار ایجاد می‌کند. به گفته وی، این بخش جدی و واقعی است اما بخشی دیگر از نوسانات بازار سرمایه حالت حبابی داشته و چندان عمیق نیست، هرچند اثر خود را بر روند معاملات گذاشته است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تأکید کرد: نکته مهم در این حوزه اعتمادسازی برای مردم است و بورس باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا اعتماد عمومی دوباره جلب شود. اگر اعتماد مردم به بورس بازگردد و همزمان آموزش‌های لازم به فعالان بازار داده شود، شرایط بهبود خواهد یافت.

وی ادامه داد: افرادی که وارد بورس می‌شوند باید حداقل‌های علمی و فنی لازم برای فعالیت را داشته باشند. در کنار این موضوع، زمانی که اعتماد عمومی تقویت شود، می‌توان انتظار رونق بیشتری در این حوزه داشت.

توسلی همچنین یادآور شد: وضعیت کلی اقتصاد کشور بی‌تأثیر نیست، چراکه بی‌ثباتی در حوزه نفت، انرژی و سایر بخش‌ها به طور مستقیم بر بازار سرمایه اثرگذار است.

وی گفت: عدم اطمینان نسبت به آینده اقتصادی کشور و شرایط جنگی منطقه، از جمله جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم بر بورس تأثیر گذاشته است. این نگرانی وجود دارد که آیا این اتفاقات دوباره رخ خواهد داد یا خیر و همین مساله بر روند کلی بازار سرمایه اثرگذار است.